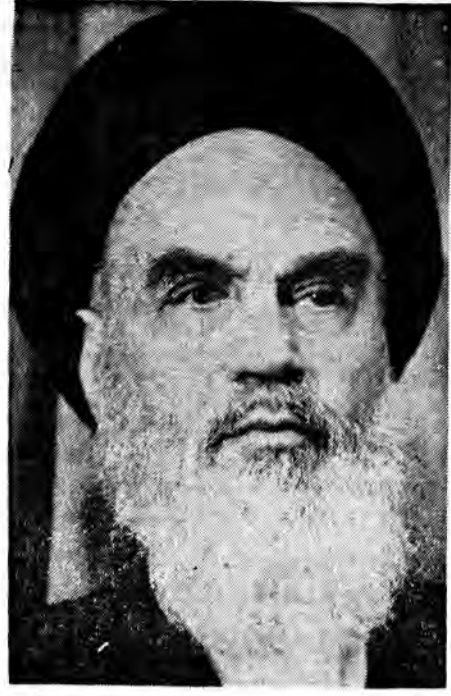


شعر  
"رؤیای یک سرباز"  
جعفر کوش آبادی  
صفحه ۲ و ۵



## ندای خرد واقع بین

آنچه امام به مناسبت پایان نخستین سال کار مجلس شورای اسلامی در جمع نمایندگان حاضر در حسینیه جماران فرمودند. درخشش برق بود که همراه فرسودگی توده های تاریک ابر را از هم درید. نغمه های ناساز چند هفته اخیر و اضطرابی که دامن زده می شد، ماجرای دستبرد به اسناد سری وزارت خارجه - چیزی که گفته می شود تنها به این ارتخانه منحصر نمی شد فاست - بحث و جنجال بر سر بنای نه الجزایر، اعلام جرم - های متقابل مسئولان طراز اول حکومت بر ضد یکدیگر، کنگار بر سر لایحه بودجه، بهانه سازی از کاهش درآمد ها و فزونی هزینه ها و ضرورت تأمین کسر بودجه از محل درآمد نفت، لایحه حذف عوارض "فرمان همایونی" که منظور از آن جلوگیری از پاره های دخالت های پرستقیم در امور اجرائی است، پایان محاکمه امیران نظام و تأخیر در صدور حکم که به هرحال می تواند به محکومیت دولت موقت آقای بازرگان در

ترکیب اعضا و در شیوه عمل و گرایش سیاسی - طبقاتی آن تعبیر شود، و شاید در همین رابطه، بالا گرفتن هیاهو درباره بحران و بن بست، و سرانجام پیشنهاد مراجعه به مردم - آن هم در بجهت جنگ و احتمالاً به امید بهره گیری از این گرفتاری بزرگ که رفع پیروزمندان آن جز با یگانگی اراده و عمل مردم و بسیج همه نیروهای مادی و معنوی توده ها میسر نیست - این همه، جو برانگیخته و ناپایداری پدید آورده بود که بهم انفجاری در آن می رفت.

در چنین اوج اضطراب همگانی، یک بار دیگر و این بار به لحن اتمام حجت، امام خمینی یگانه تدبیر درست، یگانسخن اثر بخش درباره نظم و قانون را که ضامن پیشروی به سوی هدف های انقلاب مستضعفان است بر زبان راندند، حدود هر کس و هر مقامی را به تصریح معین کردند، و بر زبانه طلبی های فردی لجام زدند.

از همه نکته های اساسی که امام فرمودند بقیه در صفحه ۸

## کشف شبکه توطئه بمب گذاری

حجت الاسلام محمد یری شهری حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در یک گفتگوی رادیو تلویزیونی از کشف شبکه توطئه بمب گذاری بنام "پاسداران رژیم سلطنتی" با نام اختصاری "پارس" پرده برداشت. به گفته آقای حجت الاسلام محمد یری شهری این سازمان کسترده در خارج از کشور با فراریان ضد انقلابی و در داخل با تعدادی از زاریان "تعدادی از روحانیون" در رق تعاس و ارتباط داشته اند. همچنین اطلاع داده شد که ۸ نفر از اعضای این شبکه دستگیر شدند. این عده قصد داشته اند در چند مرکز حساس از جمله در محل نماز جمعه در تهران بمب گذاری کنند. بنا به گفته حجت الاسلام محمد یری شهری بطور کلی اعضای این سازمان ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر می باشند. یکی از افراد دستگیر شده از این سازمان اعتراف کرد که از فرج و رضایه پهلوی پول می گرفته و عده های او باش را برای جنایت و آدم کشی و بمب - بقیه در صفحه ۶

هیجدهمین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ را به امام خمینی رهبر کبیر انقلاب خلقی، مردم قهرمان ایران و همه نیروهای انقلابی شاد باش می گوئیم.  
صفحه ۶

## دهستان سنجابی زیر سلطه خانها لگد کوب فقر و آوارگی است

دهستان سنجابی یکی از توابع اسلام آباد غرب است که دارای ۶۱ روستا است. این دهستان از نظر موقعیت جغرافیایی و راه های ارتباطی در ارتباط با شهرستان کرمانشاه است. از شمال با بخش روانسر و ولد بیگی و از شرق با دهستان خالصه میان در بند و ماهیدشت و از جنوب با حومه اسلام آباد، از غرب با بخش گوزان که پایگاه ضد انقلاب و سارقین مسلح است همجوار است. مرکز این بخش کوزران است که بوسیله یک جاده آسفالتی منحصراً بفرود طول ۴۰ کیلومتر به کرمانشاه متصل است. زمینهای این بخش عمدتاً در دهستان هموار است که سه رودخانه کم آب در آن جریان دارد. گشت در این منطقه دیمی است، محصولات آن بطور عمده گندم، جو، نخود و دیگر غلات است. ضمناً باغهای میوه و قلستانهایی با مساحت کم بطور پراکنده در منطقه وجود دارد. دامداری در این منطقه رواج دارد. محل قشلاق دامداران در مناطق کرسیری مرزی از قبیل باغچه و قطار و آغداق است که در سال جاری به علت جنگ تحمیلی صدام آمریکا، امکان قشلاق از آنها سلب شده و این امر مشکلات فراوانی در زمینه تهیه علوفه و جابجایی دامداران فراهم کرده است. علاوه بر این بیوستن دامداران مناطق جنگی به مشکلات این منطقه افزوده است.

جمعیت:  
تراکم جمعیت در روستاهای منطقه طبق نمونه برداری از مجموع ۲ روستا به شرح زیر است:  
بقیه در صفحه ۲

## پدیده جنگ و نظامهای اقتصادی - اجتماعی

جهان دوران بسیار حساسی را می گذراند، نیروهای تجاوز و جنگ که جز به منافع آزمندان و تنگ نظرانه خویش نمی اندیشند و تمدن بشری، این نمره هزاران سال کار و تلاش جانسوز انسان را به بازیچه می گیرند دست به تعرض گستاخانه می کشند. بدور از گزافه گوئی، هیچگاه در سراسر تاریخ بشری امکانات نابود سازی حیات این چنین فراهم نبوده است. و هیچ زمانی هم دوستداران انسان عاشقان زندگی و شکتن و پرونده هائی که آتش را ارمغان آدمی کردند از این همه امکان و توان برای مهار کردن اهریمن نیروهای جنگ و نیستی برخوردار نبودند. در نیای امروز، بطور عمده، دو نظام اقتصادی - اجتماعی وجود دارد:

در یکی از آنها، نیروهای بارآور کار و از جمله وسایل تولید اجتماعی در تسلط افراد و گروه های اجتماعی قرار گرفته و به انگیزه منافع خصوصی آنان - ولو به زبان کل جامعه و کل انسان - سازمان یافتند. این نظام، سرمایه داری است که در تکامل یافته ترین مرحله هستی تاریخی خویش، امپریالیسم نامیده می شود.

در نظام دیگر، نیروهای بارآور کار و از جمله وسایل تولید اجتماعی در تسلط کل جامعه قرار داده شده و به انگیزه تأمین حداکثر نیازمندی های متنوع مادی و معنوی جامعه سازمان یافته است. این نظام سوسیالیستی است که در رویارویی جهانی با امپریالیسم از ویژگیهای برخوردار گردیده و سوسیالیسم واقعاً موجود نامیده می شود. بدیهی است که قسوه محرکه (دینا میسم) ساز و کار (مکانیسم) عمل درونی این دو نظام با هم متفاوت است و سیستم روابط بین المللی برخاسته از سرشت این دو نظام نیز با هم تفاوت کلی (و کیفی) دارد.

می خواهیم در پرتو قانونمندی های درونی این دو نظام اقتصادی - اجتماعی، به جستجوی پاسخ برخی از پرسش های سوزان زمان مان بپردازیم. می خواهیم بدانیم در شرائطی که تن و جان صدها تفاوت کلی (و کیفی) دارد.

بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر  
در شناخت  
امپریالیسم معاصر  
گروه بندی های  
بین المللی انحصاری  
دولت  
صفحه ۷  
بمناسبت  
روز جهانی کودک  
صفحه ۸  
اروپا، نه "یوروشیما"  
صفحه ۶

## دشمنان سوسیالیسم در لهستان چهره واقعی خود را پنهان می کنند

دشمنان سوسیالیسم در لهستان چهره واقعی خود را پنهان می کنند. دشمنان سوسیالیسم به مثابه عادلانه ترین و انسان دوستانه ترین نظام اجتماعی بحدی در از هان و قلوب زحمتکشان لهستان ریشه دوانده است که دشمنان واقعی این نظام هم نتوانسته اند در میان توده های مردم شعارهای ضد سوسیالیستی آشکارا مطرح سازند و مجبور شدند به رادی "دوستان" و "دلسوزان" زحمتکشان در آیند. طی نیمه دوم دهه هفتاد بطور غیرعلنی تمام مقدمات و موجبات بحران کنونی لهستان بوسیله دشمنان سوسیالیسم فراهم و آماده شده است. ارتجاع از اشتباهات و خطاهای

در متن تمام اختلافات و مباحثاتی که در جمهوری توده های لهستان جریان دارد یک سؤال عمده و گرمی بچشم می خورد که با سر زشت این کشور را آینده پیوند نزدیک دارد یکی از ویژگیهای اوضاع کنونی لهستان عبارت از آن است که دشمنان نظام سوسیالیستی در این کشور نهات واقعی خود را پنهان می کنند. در این نیت زهر شعارها و خواست های عوام فریبانه ای عنوان می شود. از سوی دیگر این مطلب جلب توجه می کند که شکردهای تاکتیکی ضد انقلاب در لهستان هر قدر هم که ماهرانه انجام گرفته باشد نمایانگر آن است

بقیه از صفحه ۱

# دهستان سنجابی

کل جمعیت	حد اقل	حد اکثر	میانگین
۵۰ خانوار	۱۳ خانوار	۱۱۰ خانوار	۴۲ خانوار

در نتیجه سیاستهای ضد دهقانی و خانمان برانداز رژیم ننگین پهلوی وستم مالکین و عدم امنیتی که اخیراً مالکین و ضد انقلاب در روستاهای مجاور کوزران و روانسر مانند روستاهای درآخور، درویش بگومروانی و ۱۰۰۰ بوجود آورد مانند باعث کوچیدن عده زیادی از روستائیان شده است. و حتی برخی از روستاها مانند روستای لرها بکلی ازسکته خالی شد مانند. همچنین روستاهایی وجود دارند که جمعیت آنها حدود پنج خانوار است مانند صفرآباد.

\*\*\*\*\*

## وضع مالکیت

الف: وضعیت خوش نشین ها - مالکین این منطقه در وانی پس طولانی به حمایت ارتجاع حاکم همواره سرگرم استعمار و سرکوب جنبش های دهقانی بود مانند آنها علاوه بر ارتکاب جنایات به شمار، موجب شکاف طبقاتی عمیقی در منطقه شد مانند. اصلاحات ارضی شاهانه نتوانست مناسبات فئودالی را ریشه کن کند. مالکین بزرگ که در راس آنها خانواده های سنجابی قرار دارد به علت داشتن روابط وسیع و همه جانبه با دستگاه دولتی سابق نتوانستند بیشترین و مرغوبترین زمینها را در دست خود نگه دارند. و با حفظ بقای مناسبات فئودالی به استعمار زحمتکشان روستا بپردازند.

نوعه برداری زهر که بعد از انقلاب تهیه شده گویای این واقعیت است که مالکین بزرگ نتوانسته بودند به قیمت بی خانمانی و ورشکستگی دهقانان همچنان به بهره کشی خود ادامه دهند:

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۱۰
کل جمعیت (خانوار)	۳۹۵
خوش نشین ها (خانوار)	۱۵۱
حد اقل خوش نشین در یک روستا	۱
حد اکثر خوش نشین ها در یک روستا (خانوار)	۶۴
میانگین خوش نشین ها در یک روستا (خانوار)	۱۵/۱
درصد خوش نشین ها به کل جمعیت (خانوار)	۳۸/۲

قابل ذکر است که این خوش نشین ها بیشتر از طریق کارگری فصلی در شهر و بزرگ روستا، چوچانی، خرده پیشه و ... امرار معاش مینمایند. در کنار آنها توده عظیم دهقانان کم زمین قرار دارند که با زندگی فقیرانه دست به گریبان اند.

## ب: ترکیب مالکین

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۱۱
تعداد مالکین	۲۷
حد اقل مالکین در یک روستا	۱
حد اکثر مالکین در یک روستا	۶
میانگین مالکین در یک روستا	۲/۵

حد اقل روستائی که مالک در آن زمین دارد	۱
حد اکثر روستاهائی که مالک در آن زمین دارد	۶

آنچه در این زمین می توان افزود این است که زمین ۲۳ نفر از این مالکین ۸۰ تا ۲۰۰ هکتار و چهار نفر بقیه یعنی اصغر سنجابی و محمد خان سنجابی و همسرش پروین خانم و کریم صفائی بین پانصد تا هزار هکتار است.

## عملکرد هیئت هفت نفره

برای بررسی عملکرد هیئت هفت نفره در منطقه با تحقیق در پنج روستا نتایج زیر بدست آمد:

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۵
مقدار زمین مالکین به هکتار	۱۲۲۵
تعداد مالکین	۱۴
تعداد خوش نشین ها	۱۲۶
مقدار زمین واگذار شده به خوش نشین ها (به هکتار)	۱۴۱۵
مقدار زمینی که مالکین تعلق گرفته (هکتار)	۳۶۰
تعداد مالکینی که زمین به آنها تعلق گرفته	۶
میانگین زمینی که به یک خوش نشین تعلق گرفته (هکتار)	۱۱/۲
میانگین زمینی که به یک مالک تعلق گرفته (هکتار)	۶۰
نوع واگذاری	مشاع

۱- بطور موقوت میتوان گفت که واگذاری زمین در روستاهای منطقه در تمامی موارد بصورت مشاع و موقوت است.

۲- در بعضی روستاها (دایار) مالکین نتوانستند با انواع حمله ها بیش از حد نصاب ۴۰ هکتار بدست آورند.

۳- چون ملک هیئت برای واگذاری حد اقل ۸ سال سن و نداشتن زمین بود فاست دهقانان کم زمین و خرد و پانها در موارد ناد رآنها در صورت توافق خوش نشین ها از گرفتن زمین بهره مند شد مانند.

۴- در برخی جاها افرادی که دارای معاش قابل توجهی بود مانند به صرف نداشتن زمین خود را خوش نشین معرفی کرد مانند و این امر سبب بروز اختلافاتی بین دهقانان در آن نقاط گردید فاست.

## مبارزه طبقاتی و اشکال آن در منطقه سنجابی بعد از انقلاب

در برد و انقلاب با تشکیل دولت موقت و سیاستهای ضد دهقانی و زیرکشاوری وقت و تبلیغات وسیع فئودال ها و مالکین بزرگ اکثریت عظیمی از روستائیان نسبت به انقلاب موضع بیطرفی اتخاذ کرده و در مواردی به بین شده و تحت تاثیر تبلیغات ضد انقلاب تصور میکردند که رهبری انقلاب مدافع بزرگ - مالکان و فئودال ها است. ولی علیرغم تلاش ضد انقلاب گروههایی از دهقانان به دفاع از انقلاب برخاسته و در جهت نابودی فئودال ها و بزرگ مالکان و رفع گرفتاریها و مشکلات بجایمانده از طاغوت به اقدامات زبردست زدند:

۱- نوشتن مریضه به رهبری انقلاب و ارگانهای انقلابی که بطور عده خواستهای آنها هارت بود از زمین آب و سوسایل کشاورزی و امور رفاهی.

۲- تلاش جهت تشکیل شوراها. با تشکیل جهاد سازندگی و اقدامات مردمی این نهاد در روستاها و سقوط دولت موقت و تصویب لایحه قانونی نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی امید دهقانان به انقلاب بیشتر شد و اکثریت دهقانان این منطقه به حمایت از لایحه فاستاد رضا اصفهانی پرداختند، در این فاصله دهقانان نیز به نوبه خود بانوشتن طومار و مراجعات انفرادی و دسته جمعی به ارگانهای انقلابی بخصوص جهاد سازندگی و بالاخره ترتیب راه پیمائی از روستای کوزران به باهان یاور و بالعکس خواستار اجرای فوری این قانون و تقسیم اراضی شدند. علاوه بر این، دهقانان همزمان با تشکیل جلساتی جهت چگونگی صادره زمینها بزرگ مالکان در مواردی خود اقدام صادره زمینها کردند (باهان یاور). در تمام این مدت بزرگ مالکان در ارتباط با ضد انقلاب که در این مورد میتوان روابط گسترده و قدیمی اصغر خان سنجابی و کریم صفائی و محمد خان سنجابی را با محمود تاشماهی که با عده زیادی از یاها پیش به عراق رفتند و مدت ها در حمله به پاسگاهها و روستا های مرزی شرکت داشت و سرانجام چندی پیش در عراق کشته شد و نیز ارتباط با عوامل پالیزبان رانام برد، دست به ایجاد آشوب و ارتاب روستائیان در منطقه زد و با اقداماتی از قبیل زدی و غارت کوسفندان و حملات مسلحانه به مراکز رفاهی معدود ی که در منطقه

اشد مجازات برای هر چه ارتن کرده بسود متاسفانه به علت اعمال نفوذ حامیان خود از زندان آزاد میشوند و زمینهای صادره شده به آنها برگراند همیشود. با تاجا و صد آمد آمریکا و تشکیل بسیج عشایری آنها به عنوان روستای بسیج عشایر منطقه همکار شد مانند و سایر امکاناتی که در اختیار دارند ایادی خود را در منطقه صلح میسازند. تحریرات و اقدامات ضد انقلابی مالکین همچنان ادامه دارد. یکی از فتودالهای سرپرست بسیج عشایری که اهل عثمانوند است، به افراد بسیج گفتاست که بیخودی این فشنکهارا از زمین نبرید آنها را برای نابودی این رژیم لازم داریم. این اقدامات باعث میشود که زحمتکشان روستا که خود را برای جنگ با صدام به بسیج معرفی نمود بودند دلسر شده، بعنوان اعتراض بوجود فتودالها را آنجا انصراف خود را اعلام نمایند و بقیه نیز که قصد اعلام آمادگی برای رفتن به جبهه را داشته اند منصرف شوند (قلعه گلینه و باهان یاور...).

به دنبال اقدامات ضد هیئت هفت نفری و نفوذ مالکین در هیئت هفت نفره و توقف بند "ج" دهقانان با تهیه طومارهایی در روستاهای متعدد پشتیبانی خود را اقدامات انقلابی هیئت هفت نفره اعلام داشته خواهان اجرای بند "ج" و بیرون انداختن اربابان از بسیج عشایری شدند (طومارها مربوط به ۵۰ روستا است).

بسم تعالی

ما روستائیان و خوش نشینان قریه خیر سنجابی بدینوسیله پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی اعلام می داریم و ضمن خواندن به اجراء گذاشتن طومار هیئت هفت نفره پیش از این در میان مالکین بین کشاورزان و خوش نشینان می باشیم بار دیگر پشتیبانی خود را از جهت واگذاری زمین ارزان کسبشان اعلام می داریم

### خواستها و امور رفاهی

تعداد روستاهای مورد تحقیق	۱۸
درمانگاه	۲
مدرسه	۹
مراکز شرکت تعاونی	۲
حمام	۱
مسجد	-
برق	۱
آب لوله کشی	۲
مدرسه راهنمایی	۱
دبیرستان	-

توضیحات:

- در تمام منطقه فقط ۳ درمانگاه وجود دارد. که دو باب آن در اثر حمله و فعالیت ضد انقلاب تعطیل و مخروبه گشته و دیگری که در مرکز بخش قرار دارد نیمه تمام است.

- تنها حمام منطقه که در مرکز بخش است به مخروبه بدل شده.

- مراکز شرکتهای تعاونی بحالت عدم پاکسازی و رسیدگی کافی منشاء نارضایتی های فراوانی برای روستائیان است. برای رفع احتیاجات روستائیان از حیث قند و شکر نفت و روغن و گاز روئیل و روغن موتور و نیز برای کوتاه کردن دست سلف خرها باید ضمن پاکسازی هر چه سر بهتر تعاونی ها امکانات بیشتری در اختیار آنها قرار داد.

- در هر دو مورد لوله کشی، بحالت عدم توجه بلا استفاده مانده ماند.

- مدرسه راهنمایی تنها مدرسه منطقه بقیه در صفحه ۳

وجود دارد (تخریب درمانگاه روستای دایار و تخریب موتور برق کوزران و حمله مسلحانه به روستاهای خوره زدی، درآخور، مریوانی و لرها وغیره... ) سعی در ایجاد عدم امنیت و بیرون راندن روستائیان از روستاها دارند.

- با تصویب اصلاحیه لایحه واگذاری زمین و تشکیل هیئت های هفت نفره، دهقانان بخصوص تهیدستان به حمایت و همکاری وسیع با این نهاد انقلابی میپردازند، مالکین این منطقه که تقسیم زمینهاشان را ناگزیر می بینند بمنظور حفظ قسمت عده زمینهاشان بسبب اصلاحات ارضی شاهانه، عوامل خود را در منطقه بسیج کرد مانند که دهقانان راه گرفتن ثلث زمینها را می کنند. برای نمونه میتوان به کوششهای آنها در روستای باهان یاور اشاره نمود، ولی این حربه آنها نیز بی تاثیر ماند فاست. از این رو آنها شروع به مخالفت با کار هیئت هفت نفره و در مبارزه کومنیست به آنها کرده و در بین روستائیان اختلاف می اندازند و در این راه به روحانی نمایان و با اقداماتی از قبیل ارسال تلگراف و نامه مراجع و دسته جمعی به قزوین، تهران، تهیه طومار و نشستهای مکرر در صا حبه وغیره توسل میشوند. پس از فاش شدن این اقدامات مذبحوحانه و دستگیری مالکین، دهقانان منطقه سنجابی با حمایت ارگانهای انقلابی بر ا همیما تسی و نظا هرات وسیعی (حدود ۱۰۰ نفر) در کرمانشاه طبعه توطئه های گوناگون مالکین دست زد موضعن افشای روابط آنها با پالیزبان و همدستانش، در قطعنا معای که در مقابل زندان در بزل آباد (محل حبس مالکین) خوانده شد، خواهان محاکمه و اعدام آنها شدند و سرانجام محاکمه ۴ تن از بزرگ مالکان در مسجد معتضدی و استاد یوم تختی در ملاطفا انجام گرفت و تماماً از تلویزیون و رادیو پخش شد، اما با وجود این که در استان تقاضا

بقیه از صفحه ۱

### پدیده جنگ و ...

میلیون انسان این کره کار و رنج از بیماری و فقر و سیاهی چهل رنجور است، انسان‌ها چرا می‌جنگند، آیا حدوث جنگها اجتناب ناپذیر است؟ آیا جنگ با چگونگی سازمان‌یابی اجتماعی نیروهای بارآور کار و قانونند بهای برخاسته از آن مربوط است؟ آیا جلوگیری از جنگ، این آفت جان‌ترویج و تکامل امکان پذیر است؟ و بالاخره کدام نیروهای موجود، انگیزه و توان جلوگیری از جنگها را دارند؟

#### نظام تولید سرمایه‌داری و ضرورت درونی قهر

تولید سرمایه‌داری به انگیزه سود انجام می‌گیرد و رفع نیاز جامعه به کالاها و خدمات، فرع تحصیل سود و وسیله آن است. این نظام به مثابه متکاملترین نظام مبتنی بر بهره‌کشی، نظامی است که اقلیتی را که مالک وسایل تولید و تسلط بر نیروهای بارآور دارند بر اکثریتی که تولید ثمره کار زن و بازوی آنان است چیره می‌کند. لازمه حفظ این چیرگی، انواع فریب‌ها و دغلیکاریها و نیز اعمال قهر آشکار است. بویژه امروز که بر اثر انقلاب علمی و فنی بازده نیروهای کار به حد بالایی رسیده و توان واقعی آن را دارد که فقر و محرومیت و رنج و ناامنی را از بساط زمین برانداخته و این سیاره سبز و مرطوب را به فردوس برخورداریها و شکوفائی استعداد های برین آدمی بدل سازد. این چیرگی اقلیت آزند و کین توز و اهرمن خوی، دیگر با این سطح متعالی از توان علمی و فنی و بارآوری تناسب ندارد. بر اثر همین رشد است که ساز و کارهای تعادل ساز نظام اقتصادی سرمایه داری یکی پس از دیگری فلسج می‌شوند و سپهر نیکو درونی سیستم از کار می‌افتد.

از یک سو منافع صاحبان وسایل تولید اجتماعی اقتضا می‌کند که نیروهای پرتوان کار را در قید سرمایه نگه دارند و از سوی دیگر با احتیاجی تکنیک تولید این امکان واقعی پدید آمده است که همه چهارمیلیارد ونیم سرنشین کره زمین، از خوراک و پوشاک و مسکن و فرهنگ و بهداشت برخوردار گردیده و عروج در مدار کمال مادی و معنوی برای همگان فراهم آورده شود. بدینسان به علت تسلط سرمایه داری امکان واقعی فنا در جوار واقعیت فقر، امکان واقعی سلامت در جوار واقعیت بیماری، امکان واقعی دانائی و شکوفائی در جوار واقعیت بیسوادی و تباهی، امکان واقعی صلح و امنیت مردمی در جوار واقعیت ناامنی و وحشت همزیستی می‌کنند. لیکن نگهداری فقر در جوار فنا، جز به زور و نیرنگ ممکن نیست، نگهداری نابرابری و تبعیض در نیائی که امکان زدودن آن به لحاظ عینی ممکن شد است جز به قهر و خنده امکان ندارد. نگهداری کج در جوار کاخ و در کنار امکان واقعی زدودن فقر، جز به زور و نیرنگ ممکن نیست.

و از این روی اگر در سراسر پهنه گیتی تنها و تنها یک دولت سرمایه داری، آن هم از تمدن‌ترین و فرهیخته‌ترین نوع آن وجود می‌داشت تا شایبه هیچ "خطر خارجی" تصور نمی‌بود باز وجود ارتش و پلیس برای اداره غل و زنجیرهای درونی آن ضرورت مبرم بود. ارتش و پلیس، ضرورت درونی یک نظام تفاوت و تبعیض است و این ذات سرمایه داری است.

#### نظام تولید سرمایه‌داری و مسئله بازارها

در نظام سرمایه داری، نیروهای بارآور کار مالکیت های جدا از هم سازمان می‌یابند، و محرک هر کدام از آنها بدست آوردن سود است. میزان سود، لوکوموتیو حرکت و ستگیری آن نیروهاست و از این رو امکانات در زمینه‌هایی که کار می‌افتند که سود آورتر است.

این استدلال که هر چه سود آورتر است لاجرم بحال جامعه و مصرف کننده "مفیدتر" نیز هست امروزه آنچنان

بقیه از صفحه ۲

### دهستان سنجابی

می‌باشد که در مرکز بخش قرار دارد. حد رتعام منطقه دهستان وجود ندارد



بهداشت: - بعلمت هموار بودن زمین ها در سطح زمین اطراف روستاها، آب جمع شده و تا

رنگ پریده و بی اعتبار است که هیچ اقتصاد شناس معتبری ولو کمر بسته به دفاع از نظام سرمایه داری باشد جرأت دفاع از آن را به خود نمی‌دهد.

سود، اگرچه برای مجموع نظام سرمایه در عرصه تولید تعیین می‌شود ولی برای واحد های جدا از هم سرمایه در بازار و صلت می‌دهد و میزان آن هم از عوامل بفرنج کنترل ناپذیری نظیر ساختار متغیر بازارها، توازن متغیر عرضه و تقاضا، واحد تورم پذیر پول و نظایر آنها تأثیر می‌پذیرد و بدینسان انگیزه سود را، به رهبر متلون و غیر قابل اعتمادی برای سرمایه گذاری درمی‌آورد و حاصل این رهبری دمد می‌بی نظمی (آناشی) تولید است.

این برنامه ناپذیر بودن تولید در نظام سرمایه، مسئله بی‌تناسبی "در ساختار کل تولید و عدم تعادل" در نظام را پیش می‌آورد که ثمره "ملموس آن جابه جایی ناپذیر بودن مجموعه کالاها و خدمات در درون نظام و ضرورت "بازارهای خارجی" به مثابه قهر جذب کننده نوسانات شکننده ناشی از آناشی تولید است.

عامل دیگر هم، وجود "بازار خارجی" راه ضرورت درونی سیستم بدل می‌کند: در عرصه رقابت سرمایه‌های متعدد در هر کدام از آنها می‌کوشند که زودتر از دیگران هزینه تولید را به حداقل ممکن برسانند و بازارهای عظیمی را با قیمت‌های مطلوب (اقتصاد) برای خود تأمین کنند. از این رو رقابت برای مواد خام، نیروی کار و سایر عوامل تولیدی ارزان تر تضمین کننده بقا و رشد سرمایه در میدان تنازع با سرمایه‌های دیگر است. و همین امر دست یابی و نگهداری بازار منابع اولیه و عوامل را به اندازه بازار فروش (ریالیزا - سیون) برای آحاد سرمایه ضروری سازد.

#### مسئله بازارها و ضرورت زور

دسترسی به "بازار" هائده ترین عامل جنگ های معاصر است. بشر تاکنون بیش ۴۰۰۰ بار جنگیده و بیش از چهار میلیارد تن قربانی داده است. لیکن نخستین جنگی که از خصالت جنگهای معاصر برخوردار بوده جنگ ۱۸۹۸ ایالات متحده با اسپانیا بوده است، بر اثر این نخستین جنگ امپریالیستی، ایالات متحده آمریکا، فیلیپین، گوام، پورتوریکو و چند جزیره دیگر را تصرف کرد و بر کوبا نیز تسلط شد که در این سرزمینها پایگاه‌های استر-اتریک نیز بوجود آورد. از آن زمان تاکنون همه جنگها از قوه محرکه امپریالیستی برخوردار بوده‌اند.

تنها از سال ۱۹۴۵ تاکنون ۶ هزار میلیارد دلار (۶ تریلیون دلار) هزینه میلیتاریسم شده که بیش از نصف آن را ایالات متحده به عهده داشته است. در همین فاصله زمانی آمریکا بیش از ۲۱۵ بار به عملیات مسلحانه در عرصه بین‌المللی دست کشوده که بیش از ۳۰ مورد آن تهدید به استفاده از زور و سلاح اتنی بوده است جنگ جهانی اول که با شرکت ۳۶ کشور و ۷۰ میلیون نفرات و افسر صورت گرفت و جنگ جهانی دوم که با شرکت ۶۱ کشور و ۱۱۰ میلیون نفرات و افسر درگیر شد نیز جنگهای امپریالیستی بودند و با هدف تقسیم مجدد بازارهای جهان و از میان برداشتن موانع گردش سرمایه انجام پذیرفتند.

بدین سان جنگ امپریالیستی ادامه جنگ تجاری و اقتصادی بین دولتهای سرمایه داری است، هر کدام از دولت های سرمایه داری در درون برج و بارونی از مقررات گمرکی و سیاستهای "حمایتی"، "سهم" "شیر" از صادرات نابرابر جهانی و غارت "جهان سوم" طلب می‌کنند و هنگامی که پیش بردن جنگ اقتصادی به شیوه‌های بازار امکان ناپذیر شد جنگ نظامی در دستور قرار می‌گیرد.

#### "مسئله بازارها" و ضرورت حکومت‌های پلیسی

بازار خارجی، ضرورت بودن و ماندن نظام تولید سرمایه داری است لیکن همانطوریکه فتح بازار خارجی مستلزم برتری فنی و نیرنگ و زور است نگهداری آن هم نیازمند "مردهای آهنین" و "دولت های منضبط" است. از این رو در سرتاسر جهان هیچ حکومت ضد مردمی،

وابسته و نانجیبی وجود ندارد که از حمایت بی دریغ امری-الیم برخوردار نباشد. آمریکای لاتین با دهها حکومت نظامی آرمخواره، "قاره سیاه" با داغ نژاد پرستی و استثمار خونین، آسیا این سرزمین سنتی مستبدان فریبکار و دست نشانده، جمله شاهد گویای حضور دائمی حمایت امری-الیم از عوامل ستم و جور و استثمار و استثمارند.

#### بحران درونی نظام، صدور سرمایه و کالا و ضرورت زور

سالهای بعد از جنگ جهانی دوم شاهد رشد بی-سابقه نظام اقتصادی سرمایه داری بود، بهشت نظریه کینزی تدارک شده بود. جنگ اروپا را به ویرانه‌های بدل کرده بود. سازمانهای کارگری و سندیکائی را گسسته بود انباشت (اکومولا سیون) کالا و سرمایه‌ها را که پیش از جنگ بصورت تراکم خود مایه بند آمدن بازارها شده بود از زمین برداشته بود و همه عوامل آماده بود تا با تزریق سرمایه و سازماندهی عوامل، دور نوینی از تولید و انباشت را آغاز کنند.

بر این زمینه بود که سرمایه آمریکائی - که از جنگ نیرومندتر سر بر آورده بود - ابتکار رشد و هدایت روند های آن را در اروپا بدست گرفت و دوره رونق بیسابقه‌ای آغاز شد. "دولت ناظر به رفاه" این پدیده، امریالیسم عهد گذار به سوسیالیسم، زاده شد و دخالت ارشاداری دولت در ساز و کارهای اقتصادی و هدایت سرمایه - گذارها، برای مدت دو دهه شرائطی را به وجود آورد که از بحرانهای مزمن سرمایه داری نسبتاً فارغ بود. همین مدت کوتاه رشد فارغ از بحران کافی بود که نظریه پیروان سرمایه را به این توهم گرفتار سازد که کوبا آنان به مانند پشه مهجرت نون خویش ساز و کارهای بحران را یافته و توانسته - اند جامعه‌ای فارغ از بحران ... که از "رفاه فراوانی" بهره دارد بیافرینند

لیکن رویای این خوش باورینها و لاف زنی‌ها با کابوس سالهای اواخر دهه "صحت پریده شد، بحران جدید با بیماری‌های صعب‌العلاج و لا علاج اش سر رسید و اندیشمندان اقتصاد سرمایه را نخست شکفت زده به مقاومت و انکار برانگیخت و سپس به هراس و هزیمت دچار ساخت. این بحران، بیماریهای ناشناخته و بیسابقه‌ای را مطرح می‌کرد، جمع بین دو عنصر ضد یکدیگر یعنی بیکاری و گرانی، رکود و تورم. دانش اقتصادی سرمایه داری تا این زمان آموخته بود که تورم پاد زهر رکود است، بیکاری گرانی را می‌کشد، و بر این اساس، تزریق پول بواسطه سرمایه - گذاری دولتی و واگذاری اعتبار، و سیاستهای کسری بودجه بیکاری و رکود را درمان می‌کرد. ولی پیش آمدن مجموعه شکفت انگیزی از بیماریهای مانعه الجمع بیکاری تمام اصول اقتصادی کینزی، نوکینزی و نوکلاسیک را، که تا تاکید - های متفاوت، اهرم سیاست پولی را کلید افسانهای اداره نظام سرمایه معرفی کرده بودند که به برکت کشفیات ژرف خود توانسته اند نظامی را که از امکانات تاریخی رشد برخوردار شده بود "ارشاد کنند" از هم درید، که "طاس اگر راست نشیند همه کس نرود است".

طریقم بهانه جوئیهای فراوان دولت های سرمایه - داری نظیر این که نشاء بحران درونی نظام را مثلاً به کردن او یک بیندازند، و طریقم کوشش های عالمانه و صمیمانه‌ای که برای حل این بحران بکار بسته شد یک واقعیت هر روز روشنتر از روز پیش رخ نمود و آن اینکه ساز و کارهای خود تنظیم گر نظام سرمایه داری افلیج و زمین گیر شده‌اند و برانگیختن آنها به انجام وظایف سنتی شان محال است. کجاست آن دنیای خود کار و متعادل آدام اسمیت و ریکاردو، کجاست جهان تعالیهای زیبا و رام شده کینز و والراس، چه آمد بر سر نظام موزون و هدایت ناپذیر پول، هارود، و دومار!

نه این آن بنانیمت بلکه تغییر ژرفی در بن بنای آن رخ نموده و برگشت ناپذیر شده است. (ادامه دارد)

تولید را به روی آنها بکشاید تا دیگر جایی برای فتنه انگیزی فئودالها و تحمیل مناسبات قرون وسطائی به آنها باقی نماند.

**با اجرای بند "ج" ضد انقلاب را در روستا خلع سلاح کنید!**

اطاقی که در آن تنور قرار دارد و پراز دود و دیوارهای سیاه است زندگی می‌کنند. - در تمامی روستاها، سرکین که برای سوخت مصرف می‌گردد در داخل یا اطراف آبادی انباشته می‌شود که مرکز تجمع انواع حشرات است. دهقانان روستای سنجابی انتظار دارند که قانون اصلاحات ارضی بی‌کم و کاست اجرا شود و دولت انقلابی با کمک مالی و فنی به تعاونی‌های برخاسته از دهقانان راه واقعی پیشرفت اجتماعی و بازدهی فراوان

اواخر بهار را که می‌ماند و مراکز برای شیوع انواع بیماری‌هاست. - آب آشامیدنی اهالی از چاه‌های کم عمق و سر باز تأمین می‌شود که بی نهایت آلوده و غیر بهداشتی است. - در منطقه توال ت بندرت یافت می‌شود در روستای بابان باور که یکی از بزرگترین روستاهای منطقه است فقط سه توال وجود دارد. - خانه‌های محل زیست آنها تاریک و کم نور است و اکثر آن رتعام طول زمستان در

## جغرافیای آبادی

## روایای یک سریار

کبودی هوا

به زیر پای صبح رنگ می‌گشود  
و آفتاب  
سرك به كوچه‌های شهر می‌كشید.  
قطار همچو رود

به پیچ و تاب دشت‌ها و دره‌ها دوید  
و ایستگاه

درون پرده‌های اشك غوطه‌ور  
و دستها

در اهتزاز پرچمی گشوده در نسیم  
به جای ماند

درختها و خانه‌ها گریختند  
و دیدگان تشنه‌اش

سواد شهر را چو يك پیاله شیر جرعه جرعه سرکشید.

به سوی جبهه جنوب می‌شتافت

و چرخها به روی ریل طبل جنگ می‌نواخت

کنار پنجره نشست و سیب را

که عطر کوچه باغهای خاکی مراغه داشت  
به زیر آوارها افشرد

و فکرش از قطار

بر آسمان یادها پرنده وار پرکشید:

هوا هوای بیست سالگی است

در آبگینه‌ها

درختها خمیده، ماه برج زهرمار

بنفشه وار قریه سر به جیب

فلز ابرها

قفس برای مرغ آفتاب

کسی به فکر چاره نیست

صدای بال دلکش پرنده‌ای

سکوت کوچه را بهم نمی‌زند

ولاله‌ای ملول

به جای دل درون سینه‌هاست

نگاه می‌کند

زمین پر از خم طلای گندم است

ولی پدر بزرگ

کم آرزوی يك و جب زمین سبز با چگور چشمه‌ها

به بزم سرخری که مالک است

سرود نان تازه می‌سراید و سرور

زنان و کودکان

به خون دل تمام روز نقش گل

به دارقالی و کناره می‌زند

گر سنگی امان بریده است

و چار چرخه‌های زندگی

به جاده‌های سنگلاخ فقر می‌رود...

پدر بزرگ

که در تمام طول شب

در انتظار بوده یک نفر چراغ برکند

به کمترین جرعه‌ای

دلش به سینه می‌تپد

و فکر می‌کند

که روز واقعه رسیده است

و میرود که آفتاب عدل

بر آسمان روستا و شهر گل کند

و داییش که زورق خیال

همیشه روی شط باور پدر بزرگ رانده

فکر می‌کند

دو روزه کاخهای شهر زیر و رو

و چهره زمانه باز می‌شود

ولی زمانه همچنان گرفته می‌رود

و بر مدار بیعدالتی

هنوز چرخ می‌زند

به خانه‌ها هجوم می‌برند

و آفتاب را به بند می‌کشند

شهید از پی شهید

شقایق هزار برگ خون به زلف روزگار می‌زند

و ابر ظلم

زمین و آسمان شهر را سیاهتر، سیاه می‌کند.

پدر بزرگ

به دنجگله قریه دق می‌آورد

و حسرت زمین و باغ را به گور می‌برد

و یأس

داییش به کوچه می‌کشد

و بر فراز شاخه‌ای که دست آرزو دراز کرده است

که سیب قندك ستاره‌ای بچیند از هوا

شبانه دار می‌زند

زمان به سرعت قطار و برق و باد می‌دود

به شهر کوچ می‌کند

برای اغنیا مراغه خوان هفت رنگ چیده است

برای او بساط فقر و رنج.

سحر قلمرو گلوله است و جوخه‌های مرگ

و حبس بال سایه‌ای

که گل در انزوی خویش زرد می‌کند.

هنوز لحن کوچه‌ها غریبه‌اند

هنوز دلخوشست زندگی

به آفتاب کاذبی که از میان جلم می‌طلوع می‌کند.

غرور مرده مینماید و عقاب فکر از قفس

رهاایش محال

دلش به سینه تفته آهنی است

که زیر زخمه‌های پتک رنج

جرعه‌های اعتراض می‌پراکند

و زندگانش همیشه از سیاهچال گزمگان عبور می‌دهد

شتاب کن شتاب زندگی

مرا ببر به سرزمین دشتهای سبز

پرنده‌های شاد

قنات‌های نور

عبوس و اخم کرده روزها

سوار ناقه‌های ماه و سال می‌روند

و قالی گلابتون تجربه

که برگذرگه ستم فتاده پای می‌خورد

و رنگ باز می‌کند

جرقه‌ها بدل به شعله، شعله‌ها بدل به آتشی بزرگ می‌شوند

و مسجد از قبای کاشیش غبار می‌تکاند و درختهای آن

بدل به گاهواره پرنده‌های شهر می‌شود

سفر به سرزمین جنبشی شگفت می‌کنیم

که موج اعتصاب کارخانه‌هاش

پلی میان ظلمت است و روشنی  
و بامهای پرستاره اش  
کجاوه ای که عاشقان به شهر صبح می برد  
زمین دردمند  
نهیب می کشد  
وخون زگیجگاه شهر  
شک به آسمان و خاک می زند  
و کشتی عظیم انقلاب  
که بر فراز موجهای سهمگین خون  
و تندرگلوله، گردباد مرگ می رود  
بیاری خمینی بزرگ  
به ساحل بهار بهمن شکوهمند میرسد.

هوا هوای دیگر است  
درختها در آبگینه قامت خمیده راست می کنند  
بنفشه خنده می زند  
فلز ابرها شکسته می شود  
و مرغ آفتاب  
به میهمانی درختهای باغ می رود  
و روی بوم تازه سخن  
بهار قریه های سوخته  
بهار زاغه های خیس  
بهار کارخانه هاست.

چه باک اگر یکی دو کوردل  
که در هوای لقمه های چرب ساز خود  
بقیه از صفحه ۱

به ساز انقلاب كوك کرده اند  
همین که بوی می برند  
همای بخت

بر سر ستمکشان نشسته است  
بدل به چوب لای چرخ انقلاب می شوند  
ولی چه جای غفلت است  
مگر نه دیو دشمن از خلیج فارس  
بر آسمان آبی طبس تنوره زد  
و در سر این خیال خام پخت

که نوژه را چنان تفنگ ژ-۳ی پرافشنگ  
به قلب انقلاب در کند  
و چون درخت خدعه اش ثمر نداد  
جنوب را به شعله های جنگ در کشید  
به کوچه باغهای انقلاب پرسه می زند  
و از دریچه های آرزو  
به قریه ها نگاه می کند

ز بعد قرنهای فراق بزرگ  
نهاده سریدامن زمین  
چگور چشمه ها به بزم او  
سرود نان تازه می سراید و سرود  
و بزرگ چنان به زلف گندم بهاره دست می کشد  
که عاشقی به زلف یار

به کارخانه ها نگاه می کند

که زیر آفتاب داغ کوره ها  
فرود آبخار پرصلابتی است  
روی پره ها چرخ زندگی  
به کارگر که زحمتش درخت شمسیست  
که هر غروب میوه اش به خانه می برد

به رویش بنای سنگی از میان زاغه ها نگاه می کند  
به زندگی که با گریز جغد فقر  
نسیم نان تازه را به ارمغان می آورد

به اجتماع لاله ها نگاه می کند  
که حکم قتل نسترن به جرم رنگ و بونمی دهند  
و بر زمین  
هوای تازه را برادرانه سهم می کنند

قطار مثل نعره ای بلند  
به پیچ و تاب دشتهای کوههای سنگ می شتافت  
و چرخها به روی ریل طبل جنگ می نواخت

کنار پنجره نشسته بود و می سرود  
بزرگراه رستگاری زمین  
امید رنج دیدگان خاک - انقلاب  
تو آرزوی قلبی ستمکشان اگر بر آوری  
هزار گردباد جنگ مثل جبهه جنوب  
نمیتواندت ز جای بر کنی



## دشمنان

فرهنگ سوسیالیستی و پرورش معنوی مردم با ایدئولوژی و روحیات سوسیالیستی کردید در رهبری کشور تلاشهایی برای جهش از مراحل تاریخی و دیدن آرزوها به جای واقعیت مشاهده شد و چنین تصویری پدید آمد که کویا در لهستان برای مبارزه مسلکی - سیاسی و طبقاتی دیکر زمینه هائی وجود ندارد.

اوضاع امروز لهستان بار دیگر حقایق این سخنان داهیانه را به خاطر می آورد مسئله فقط به این شکل مطرح است: یا ایدئولوژی بورژوازی یا ایدئولوژی سوسیالیستی. حد وسط در اینجا وجود ندارد. چرا که بشریت هیچگونه ایدئولوژی سوسیالیستی در دین نکرده است. به همین علت هرگونه کم بهادادن به ایدئولوژی سوسیالیستی و هرگونه دور شدن از آن به معنای تقویت ایدئولوژی بورژوازی خواهد بود. در لهستان بیش از هر کشور دیگر سوسیالیستی عوامل ذهنی یعنی کم بهادادن به ایدئولوژی سوسیالیستی و عوامل عینی برای اثر بخشی افکار بورژوازی و خرد بورژوازی برانها و قلوب مردم خود را آشکار کردند. لهستان تنها کشور جهان سوسیالیستی است که در آن بطور کلی مالکیت فردی در کشاورزی و همچنین هزاران موسسه و بنیاد خصوصی در رشته خدمات و مصرف هنوز حفظ شده

است. از سوی دیگر کلیسای کاتولیک که در جامعه لهستان نفوذ دارد با جوامح و کلیسای کاتولیک در غرب که عمدتاً در خدمت امپریالیسم قرار دارند، پیوند نزدیکی دارد. در محاسبه دقیق نیروهای ارتجاع و امپریالیسم بین المللی دیرزمانی است که روی این عوامل حساب می کنند. بویژه پس از روی کار آمدن برژینسکی این عضو ضد کمونیست کینه توز در دستگاه دولت آمریکا، لهستان به مثابه حلقه اصلی و ضعیف برای ایجاد شکاف در سیستم جهانی سوسیالیسم برگزیده شد. در عین حال هدف از طرح براندازی نظام سوسیالیستی در لهستان ایجاد تزلزل در محیط صلح و آرامش در اروپا و کلا جهان است. این طرح که مستقیماً بر ضد نظام سوسیالیستی در لهستان تدوین شده، در عین حال علیه امنیت اروپا تدوین شده زیرا تحقق این طرح توازن نیروها در اروپا و ثبات در روند تاریخی این قاره را برهم خواهد زد.

و به همین علت است که بحران لهستان چه در درون کشور و چه در اروپا نگرانی روز افزون بسیاری از دولتمردان و حتی شخصیتهای مذهبی کاتولیک را نسبت به اعمال عناصر ماجراجو از "کمیته دفاع کارگران برانگیخته است. این عناصر ماجراجو تلاش دارند توده های کارگر و اتحادیه های "همبستگی" را به خاطر اهدافی که هیچگونه وجه مشترکی با منافع واقعی و حتمکشان لهستان ندارند، براه بی آینده و خطرناکی بکشانند. این واقعیتی است که در لهستان از جانب رهبری کشور خطاها و اشتباهاتی وجود داشته که ارکان رهبری حزب قبل از همه قاطعانه تر

از دیگران آنها را مورد انتقاد قرار داده و مرتکبین و مسئولان این خطاها را محکوم کرده است. از سوی دیگر انتقاد و انتقاد از خود توده های مردم ابراز ناراضی از دید اداره امور و انجام کارها، اعترافات نسبت به سوءاستفاده ها که به بخشی از اعضا و مسئولان حزبی هم سرایت کرده، اعتراض به تناقضات میان گفتارها و کردارها همعاینها خود از نتایج ستقیم آگاهی اجتماعی و حس وظیفه شناسی توده های کارگر بود و قبل از همه حزب پیشاهنگ این طبقه بود که از خود واکنش جدی و مثبت نشان داد. و این امر نشانه آن است که نه ایدئولوژی بورژوازی بلکه درست همان ایدئولوژی سوسیالیستی است که متوجه این نارسائیها گردیده و به پاکسازی سوسیالیسم از تمام آن عناصر و پدیده هائی که با سرشت و اصول آن ناسازگارند پرداخته است.

حزب پیشاهنگ طبقه کارگر لهستان در روند بیان اعتراضات و انتقادات که در مواردی حتی جنبه های عصبانی به خود می گرفت توانست پدیده ناسالم و منفی را از جریانها و پدیده های سالم و سازنده و مثبت به درستی تشخیص دهد آنها را از یکدیگر جدا کند و پدیده های سازنده و مثبت را تقویت کند که این خود موجب تقویت مواضع حزب گردید. اما سر رشته جریان های ناسالم بدست دشمن مکار و کارآزموده است که در برابر حزب طبقه کارگر و سوسیالیسم بعنوان نظام اجتماعی در لهستان قرار گرفته است، این دشمنان برای گمراهی و فریب توده های ناآگاه نیت واقعی خود را پنهان می -

کنند و از نیروهای ذخیره زیادی در رسانه های گروهی و در میان روشنفکران ناآگاه جامعه لهستان و همچنین دهقانان خرده، پاکاسیر نظریات فردگرایانه خود هستند، بهره برداری می کنند. سر نوشت سوسیالیسم و آینده مستقل لهستان و سر نوشت منافع اجتماعی و ملی دیرپای مردم این کشور با وحدت جامعه سوسیالیستی و حفظ توازن و تعادل سیاسی و ثبات در اروپا و نهایتاً با سر نوشت تشنج - زدائی و صلح در اروپا و جهان پیوند دارد. اعمال ماجراجویانه و غیر مسئولانه نیروهای افراطی راستگرا که خود را در پوشش شعارهای افراطی پنهان کرده و به خاطر تعالیات ارتجاعی خود و به تحریک حامیان خویش سعی در تشدید وضع بحرانی این کشور دارند قبل از همه به منافع دراز مدت مردم لهستان و صلح و امنیت در اروپا لطمه وارد می آورند.



# اروپا، نه

## "یوروشیما"

هم اکنون شروع کرد ماند اروپا، مهد تنش زدائی را، "یوروشیما" بنامند که سر نوشت فاجعه آمیز هیروشیما را بخاطر می آورد آیا این یک مبالغه است؟ شاید. اما در هر حال هم اکنون سلاح هسته‌ای در دنیای کهن "بیش از حد فراهم شده است. کار را به آنجا می کشند که دو سال دیگر (۱۹۸۳) در بخش باختری این قاره یک مجتمع هسته ای دیگر از حدود ۶۰۰ موشک آمریکائی با برد متوسط "پرشینگ-۲" و موشک های بالدار باید بوجود آید.

آیا اروپا می تواند از چنگال موشکی شدن بعدی و تبدیل به یک مخزن موشکی - هسته‌ای سراسری رهائی یابد؟

می تواند، اثر برای آغاز کار اقل در تثبیت کمی و کیفی میزان موجود وسایل موشکی - هسته‌ای بابر متوسط کشورهای ناتو و اتحاد شوروی، و از جمله در بخش جدائی ناپذیری از تناسب نیروهای هسته‌ای در اروپا چون مسائل پایگاه مقدم آمریکادار این منطقه، توفیق حاصل شود. بویژه چنین پیشنهادی در کنفرانس ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی شده است.

لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی باریک برگه تم آروپل در سخنرانی خود در پراگ اهمیت این اقدام را گوشزد کرد.

می تواند، اگر مسکو و واشنگتن مذاکرات شروع شده در پاییز سال گذشته در ژنوا برای محدود کردن تسلیحات هسته‌ای در اروپا را ادامه دهند و کوشش کنند مذاکرات را به سرانجام سازند های برسانند.

می تواند، اگر روند محدود کردن تسلیحات استراتژیکی را که در دهه گذشته شروع کرد فاند در سالهای ۸۰ ادامه دهند و دیگر کشورهای هسته‌ای نیز بدان بیوندند.

لیکن در ناتو پیشنهادات شوروی در باره "موراتوریوم" (تثبیت وضع کنونی) را غیر قابل قبول اعلام کردند و آنرا همچون پیشنهاداتی غیر قابل مباحثه رد کردند. سؤال می شود: چرا؟ پاسخ می دهند: موراتوریوم موجب تحکیم برتری می شود که اتحاد شوروی در وسایل هسته‌ای با برد متوسط بدست آورده است. سؤال می شود: این برتری در چه، و در کجاست؟ هیچکس آنرا به اثبات نرسانده است. شواهد بسیار بویژه رکافی معتبر وجود دارد، که ذخیره هسته‌ای ناتو در اروپا کمتر از شوروی نیست.

این که چرا در آمریکا موراتوریوم راد می - کنند فهمیدنی است. استراتژیهای واشنگتن که "پرشینگ" ها و موشک های بالدار راد را روی غربی مستقر می کنند، امید دارند تصادم هسته ای ممکن را به آن محل محدود کنند و امکان ندهند که به اراضی آمریکا کشانده شود آنها در عین حال با افزایش حضور نظامی خود در اروپای غربی در نظر دارند حضور سیاسی خود را نیز بیا افزایش دهند. دیگر از سود های کلان مجتمع های نظامی - صنعتی، که به تولید سیستم های جدید موشکی - هسته‌ای می پردازند، صحبت نمی کنیم. بانزد یک کردن این سیستم های مرزهای اتحاد شوروی آنها امید دارند که موضع قدرت را اشغال کنند و ورق تازه ای در مذاکرات بدست آرند. ظاهرا به نظر می رسد که فقط و فقط سود خواهند برد.

اماد روشنکنند و عامل بزرگ را به انداز "کافی ارزیابی نمی کنند: نیروی مقاومت افکار

بقیه از صفحه ۱

## کشف شبکه

گذاری به سازمان جلب می کرده است. این سازمان با اختیار و دیگر خائشان فراری از کشور تماس داشته است و شیوه کار آن بخصوص در مورد بعب گذاری در محل نماز جماعت و دیگر مراکز حساس از جانب بختیار به آنها توصیه می شده است.

اظهارات حجت الاسلام محمد یری شهسوار و اعتراضات عضو دستگیر شده "این شبکه از روی ابعاد وسیع فعالیت ضد انقلاب پرده بر می دارد و مومنان را همزمان که نشان می دهد که ضد انقلاب در باره روحانی در میان عده های از روحانیون (یا روحانی نمایان) قم هم دست داشته و از جانب این محافل پشتیبانی و هدایت می شود. حتی عده های از بازاریان برای بختیار خائن شماره حسابهای در بانک دارند و برای تامین اعتبارات مالی نیروهای ضد - انقلاب به این حسابها پول می ریزند. کشف این شبکه "خطرناک ضد انقلاب ازین سو موجب خرسندی و نشانهای از هشتمیاری وجودیت نهاد های انقلابی در کشف و خنثی کردن فعالیتها می خرد و توطئه های نیروهای ضد - انقلاب است و از سوی دیگر هشدار است جدی به همه "نهاد های انقلابی، مقامات مسئول و همه" نیروهای اصیل انقلابی که صادانه از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دفاع میکنند در عین حال هشدار است که ضد انقلاب از توطئه های جنایت آمیز خود لحظه ای همدست بردار نیست و هر روز

اشکال تازه و ابعاد وسیعتری توطئه های خود را برای شکست انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران گسترش می دهد. مطلب جالب و هشدار دهنده "دیگر رکشف این توطئه شرکت عده های از بازاریان و کمکهای مالی آنان به توطئهگران و نیز شرکت عده های از روحانی - نمایان حتی در قم است. این بازاریان همان - هائی هستند که در تمام دوران پس از انقلاب با حد اکثر استفاده از ناپسامانیه های اقتصادی محاصره "اقتصادی کشور از جانب دول امپری - یالیستی و روگردن تولید به علل عینی و یا علل دیگر از دسترنج زحمتشان که بیش از همه فشارها و محدودیتها اقتصادی را تحمل میکنند و در نافع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر تجار و زرزم جنایتکار صدام بیش از همه قربانی می دهند، بر ثروت های خود بیافزایند. این تعداد از بازاریان که در شبکه توطئه "بعب گذاری دست دارند و هزینه نیروهای ضد انقلاب را تامین میکنند همان سرمایه دارانی هستند که ۲۰ میلیارد تومان در سال اخیر منفعت برد فاند در حالی که وضع زندگی مادی زحمتکشان در نتیجه "کسانی سرسام آور قیمتها و احتکار بود یگر عوامل بر مراتب بدتر شد است.

بدین ترتیب ریشه "این توطئه ها و نیرو - های ذخیره و عناصر سازمان دهند آنها را در میان آن طبقات و اقشاری باید جستجو نمود که پیروزی انقلاب و روند تعمیق آن در راه منافع آرندانه "آنان سدی ایجاد میکند. آن عده های از روحانیون یا روحانی نمایان هم که این شبکه توطئه همکاری داشته اند کسانی هستند

که با این عده های از بازاریان و نیز زمینداران بزرگ پیوند و منافع طبقاتی مشترکی دارند. پس برای از میان برداشتن زمینه های داخلی جهت تکوین و سازمان یابی چنین توطئه های قبل از هر چیز به حل مسائل گریه و بنیادی جامعه باید پرداخت. تا زمانیکه هر مه های اقتصادی از دست اینگونه بازاریان و زمینداران بزرگ گرفته نشود، بطور مسلم آنها این امر را به اشکال گوناگونی از کار انفروشی و احتکار گرفته تا تشکیل شبکه های توطئه و تخریب و اجیر کردن اراد ل و اوپاش و حتی عناصر ناآگاه برای اجرای این توطئه های بکار خواهند گرفت. اختلافات در درون مقامات مسئول و هیئت حاکمه که بخش اعظم وقت نیرویشان را صرف مناقشات درون خود می - کنند، برای تکوین و سازماندهی چنین توطئه - هائی در شرایط سرخوردگی و دلسردی که در نتیجه "ند انم کاری ها، انحصار طلبی ها و خود محوری های جناحهای مختلف هیئت حاکمه در قدام ایجاد میشود زمینه های مساعد را فراهم می کند. این مناقشات و اختلافات که به صورت ظاهر و بر سر مسائل مختلف اداره " امور مملکت متجلی می شود، از همان ریشه های طبقاتی و مسائل گریه در روند تعمیق و گسترش انقلاب نشأت می گیرند و تا زمانی که ریشه های طبقاتی بینش ها و مواضع این مسائل گریه مشخص نشود، این اختلافات ادامه خواهند یافت و زمینه های مساعد برای سازماندهی و تحقق توطئه های گوناگون علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران همچنان وجود خواهد داشت.

## برای گرامیداشت قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲

امام خمینی در میان روحانیت متعهد و مومن به اسلام راستین و سازش ناپذیر نخستین کسی بود که تجربه، نیازها و آرزوهای خلق زیر تازیانه، در باره استعمار را - در خود متبلور ساخت و بی باک و نستوه در بیان نامه "تاریخی خود ناقوس مبارزه پیگیر با امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا را به عنوان یگانه شرط واقعی رهائی خلق از نحوست دربار و امپریالیسم به صد داد آورد:

"... هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است. از آمریکا است ملل اسلام از اجانب عموم و از آمریکا خصوصا متنفر است. انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را به بهای ناچیز برده و می - برد... آمریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می کند. آمریکا است که به اسرائیل قدرت می دهد که اعراب مسلم را آواره کند. آمریکا است که وکلارایی واسطه بر ملت ایران تحمیل می کند. آمریکا است که اسلام و قران مجید را به حال خود مضر می داند... آمریکا است که با ملت اسلام

قیام خونین ۱۵ خرداد، ۴۲ رستاخیز خلق ستندیده " مادر برابری ادگری های نظام ضد خلقی شاه خائن و حامیان آمریکائی - انگلیسی وی بود. این قیام نشانه " درخشانی از انفجار خشم فرو خورده " مردم قهرمان ما پس از کودتای خائشانه "۲۸ مرداد بود که این بار نه تنها امپریالیسم انگلیس، بلکه امپریالیسم آمریکا را به عنوان سردمدار امپریالیسم جهانی هدف قرار داده بود.

مردم ما با تجربه کودتای ۲۸ مرداد آموخته بودند که سیاست ناپیکیر ملی گرایان در مبارزه با امپریالیسم موجب شکست و ناکامی شان در جریان نهضت ملی کردن صنعت نفت شده است. زندگی روزانه به آنان آموخته بود که امپریالیسم تجزیه فاپذیر است و لذانی توان باتکیه بر یکی یا دیگری مبارزه نمود.

انعکاس این تجربه در میان روحانیت شرقی و مبارز که هم قیام به تعهدات آرمانی خود در برابر توده های میلیونی مردم وفادار بودند، موج عظیمی ایجاد نمود که امروز نتایج آن را به چشم می بینیم.

معامله و وحشیگری بدتر از آن می کند. هر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کند."

این دعوت تاریخی برای پاره کردن زنجیر اسارت امپریالیسم آمریکا و انگلیس و فراخواندن توده های خلق به صحنه مبارزه اگر چه در شرایط بفرنج رفرف آمریکائی شاه نتوانست شیرازه " نظام جبار پهلوی را از هم بسلد و با سرکوب خونین قیام توده های مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ یک چند به فراموشی سپرده شد، اما به سنتی انقلابی برای تدارک قیام عمومی خلق برضد دربار و امپریالیسم بدل گردید.

امروز که هیچد همین سان ندر این قیام در شرایط پیروزی انقلاب اسلامی خلق ایران بر نزار می شود، شمارهای اصیل ضد امپریالیستی آن روز تاریخی که در بیان نامه "تاریخی امام خمینی تبلور درخشان دارد، همچنان فعلیت خود را حفظ کرده است. عوامل و همیاران رنکارنگ امپریالیسم امروز در کار تخریب و مخدوس کردن این

شایسته می بود، که به هشدار که از تربیون کثرت ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی داده شد. با همه جدیت لازم توجه می شد. در این هشدار تذکر داده شد، که تحقق تصمیمات ناتو متحد در جلسه بروکسل وضع نظامی - استراتژیکی در اروپا را، که بدون آن هم خطرناک است، شدیدی ترمی - کند و ناگزیر اقدامات متقابل را در پی دارد. که تحقق این تصمیمات نمی تواند در مناسبات اتحاد شوروی با هر یک از کشورهای که اراضی خود را محل استقرار اسلحه های می کنند، که تهدید می کند، برای اتحاد شوروی است، تأثیر می کند. که تحقق این تصمیمات دور بازم کرانتر و خطرناکتری از سابقه "تسلیماتی را به دنبال می آورد. آیا اروپا خواهان این است آیا همه ما خواهان این هستیم؟

"ها" و موشک های بالدار می خواهند تناسب کنونی را به هم زنند و تفوق نظامی بدست آرند. لیکن تجدید تسلیحات جنبه های مثبت که ندارد هیچ، جنبه های منفی بسیار دارد. ایجاد مجتمع های موشکی - هسته‌ای جدید به هیچوجه ارزان تمام نمی شود. بهای آن راهم چنین با تضعیف استقلال سیاسی و کاهش نقش اروپای غربی در سیاست جهانی هم باید پرداخت، که در بن، پاریس، رم و دیگر پایتخت های خلیسی کرانه‌هاست. نقشه های تجدید تسلیحات موشکی - هسته‌ای در حقیقت امر سبب تفرقه در جوامع غربی شده است، اعتراضات و مخالفت های گسترده ای را بوجود آورده است دشواری های سیاسی زیاد برای محافل حاکمه ایجاد کرده است.

عمومی اروپای غربی را، و نیروی عمل متقابل اتحاد شوروی را، که وسائل لازم در اختیار دارند تا در مقابل این گونه تلاش ها جهت تحصیل برتری نظامی بر او قرار دهد. در این محاسبه که جنگ هسته‌ای به حدود اروپا محدود نشود نیز خطای استراتژیکی جدی وجود دارد. همه واقعیات نشانه آن است که انفجار در اروپا، مرکز یک زمین لرزه " عالمگیر خواهد شد.

پس چرا در محافل حاکمه اروپای غربی موراتوریوم را رد می کنند؟ چرا از امکان نجات اروپا از اشباع این قاره با سلاح های موشکی - هسته ای امتناع می ورزند؟ دلایل قانع کننده ای به چشم نمی خورد. برپا کردن تعادل می توانست دلیل این امر باشد. اما تعادل هم اکنون موجود است. اتفاقا بوسیله "پرشینگ

## در شناخت امپریالیسم معاصر

## گروه بندی های بین المللی انحصاری دولت

سرمایه داری انحصاری دولتی در عرصه بین المللی به صورت گروه بندی های انحصاری بین دولتی عمل می کند: مانند جامعه اقتصادی اروپا (C.E.E) اتحادیه اروپای مبادله آزاد (A.E.L.E) بانک بین المللی رشد و نوسازی (B.I.R.D) صندوق بین المللی پول (F.M.I) اتحادیه بین المللی رشد (A.I.D) و غیره. جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) یکی از نمونه و ارترین سازمان های انحصاری دولتی است. از ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۳ جامعه اقتصادی اروپا معرف گروه بندی انحصاری شش دولت اروپای غربی زیر بود: جمهوری فدرال آلمان فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ. در ۱۹۷۳ سه کشور بریتانیا، ایرلند و دانمارک به آن اضافه شدند. سرمایه انحصاری این جامعه از قدرت عمومی کشورها و عضو برای تقویت استثمار خلق ها در کشورهای خود و کشورهای دیگر، عملی ساختن سیستم نو استعماری جمعی، سرکوب جنبش انقلابی و مبارزه متحد با سیستم جهانی سوسیالیستی استفاده می کند. امپریالیسم جهانی در مقابل با دعوت صلح آمیز اردوگاه سوسیالیسم در زمینه سابقه برای تأمین والا ترین پیشرفت های مادی و معنوی اجتماعی و نیز برای تحکیم مواضع خود همه کوشش هایش را در مقیاس بین المللی بسیج نموده و در اشکال مختلف به هم پیوندی اقتصادی متوسل می شود.

همانطور که گفته شد، این تعامیل به گروه بندی های انحصاری بین دولتی بدو تضاد روز افزون میان نیروهای مولده و مناسبات تولیدی برادری مناسبات سرمایه داری جهانی آشکار می سازد. اجتماعی شدن تولید در چارچوب ملی محدود می بیند. تخصصی شدن تولید و پیدایش شاخه های نو، همچنین استفاده از مواد جدید در کشاورزی و تحکیم نقش پژوهش در گسترش تولید مادی به هم پیوندی امپریالیستی کمک می کند و در عین حال حجم تولید را افزایش می دهد و در نتیجه نیازمند بازارهای بسیار عظیم تازه برای فروش کالا های ساخته شده است.

با وجود این، ظرفیت بازارهای داخلی در شرایط سرمایه داری به واسطه پائین بودن قدرت خرید توده های زحمتکش محدود است. بازارها کندتر از امکانات تولید گسترش می یابند. از سوی دیگر، پیدایش و ترقی سیستم جهانی سوسیالیستی و نیز رهائی مستعمرات قدرت انحصاری امپریالیسم را در بازارهای خارجی در هم می ریزد. ناهمبازی رشد اقتصادی سرمایه داری نشان می دهد که مبارزه بین قدرت های امپریالیستی برای باز تقسیم بازارها و مناطق نفوذ شدت می یابد. اما اوج گرفتن فعالیت انقلابی زحمتکشان و پیشرفت های نیروهای صلح و سوسیالیسم توسل به جنگ را برای تقسیم جهان که رکن گذشته معمول بود، بیش از پیش ناممکن می سازد. از این رو سرمایه داری انحصاری دولتی می کوشد با ایجاد سازمان های انحصاری بین دولتی راه خلی برای مسأله بازارهای خارجی پیدا کند. این سازمان ها بنا به ماهیت خود، قادر نیستند تضاد های درونی و بیرونی و بین امپریالیستی سرمایه داری را از میان بردارند. آنها فقط شکل های مبارزه را تغییر می دهند و لذا نمی توانند از شدت آن بکاهند. چنانکه، انحصارات بزرگ آلمان غربی و

فرانسه مواضع برتر خود را به درون بازار مشترک منتقل کردند. بین این انحصارات هیچ وحدتی وجود نداشته و نمی تواند وجود داشته باشد. هر عضو می کوشد در بازار مذکور موقعیت مناسب تری بدست آورد دقیقاً بین این گروه بندی های انحصاری و در درون بازار مشترک است که مبارزه بسیار حادی جریان دارد. پذیرش بریتانیا به بازار مشترک کاری جز تشدید تضاد های درونی آن انجام نداد. امپریالیسم بریتانیا می کوشد راه حلی برای مشکلات خود بیابد و مواضعش را در اروپای غربی به ضرر شرکای تازه خود تقویت نماید.

رقابت بین بازار مشترک و امپریالیسم آمریکا شدت یافته است. بازار مشترک یک رقیب جدی برای امپریالیسم آمریکا به شمار می رود. هنگامی که به تضاد های درون بازار مشترک اشاره می کنیم نباید از یاد ببریم که سرمایه انحصاری کشورهای هم پیوند از عقب راندن رقیبان خود در اروپا و آمریکا سود برده است.

### اتحاد های شخصی بین سرمایه انحصاری و دولت های بورژوازی تحکیم می یابد

تحول سرمایه داری انحصاری دولتی را می توان در قلمرو تحکیم اتحاد های شخصی بین سرمایه انحصاری و دولت های بورژوازی مشاهده نمود. نشانی نشان داد که این اتحاد های شخصی ویژه سرمایه داری است که به مرحله امپریالیستی خود رسیده. در این زمینه دو نشانه مهم برجسته قابل ذکر است: نخست این که کارمندان بلند پایه دولت پست های مهمی در شوراهای رهبری انحصارات خصوصی یا بانک ها اشغال می کنند. دوم این که عوامل انحصارات و صاحبان شرکت های بزرگ یا بانک ها مسئولیت های درجه اول (تا مسئولیت کرسی ریاست جمهوری) را در دولت های بورژوازی بدست می آورند.

در این باره، مخصوصاً می توان از مجتمع های نظامی - صنعتی که شکل ویژه ای از اتحاد های شخصی هستند نام برد. بدین معنا که در کشورهای امپریالیستی بین محافل نظامی و انحصاراتی که به تولید تسلیحات می پردازند، در آمیختگی وجود دارد.

پس از جنگ دوم جهانی، شکل جدیدی از اتحاد شخصی پایه عرصه وجود نهاد و آن تأثیر سازمان های نمایندگی سرمایه خصوصی بر حکومت های بورژوازی است. گروه بندی های صنعتی در همه کشورهای امپریالیستی وجود دارد: مانند اتحادیه ملی صاحبان صنایع در ایالات متحده، اتحادیه صنعت فدرال در جمهوری فدرال آلمان، کنفدرالسیون ملی صنعت در ایتالیا. این گروه بندی ها تحت هر نامی که باشند، بدون رأی آنها کوچکترین مسأله در زندگی اقتصادی - حتی سیاسی - حل و فصل نمی شود. حتی فعالیت های جامعه اقتصادی اروپا زیر نظارت و هدایت سازمان بین دولتی سرمایه انحصاری چون اتحادیه صنایع جامعه اروپائی (U.N.I.C.E) که بدین منظور بوجود آمده قرار دارد. این سازمان به عنوان نماینده تا ملا اختیار صنعت کشورها و عضو جامعه برای خود حق دخالت در برابر اقدامات مقامات رسمی جامعه اقتصاد اروپا قائل است نمایندگان اتحادیه

صنایع جامعه اروپائی در عین حال اعضای رسمی هیأت های تصمیم گیری و همکاران جامعه اقتصادی اروپا (C.E.E) جامعه ذغال و فولاد اروپا (C.E.C.A) و جامعه انرژی اروپا (EURATOM) هستند.

### نقش اقتصادی

#### دولت بورژوازی در شرایط کنونی

نقش دولت بورژوازی در اقتصاد سرمایه داری با پیشرفت سرمایه انحصاری دولتی تحکیم یافته است. (او یعنی سرمایه انحصاری م. هر چه وسیع تر از اهرم های چون تشویق به تمرکز انحصاری تولید و سرمایه ها توسط دولت باز تقسیم بخش همواره زیاد تر درآمد ملی به وسیله دولت سفارش های نظامی به انحصارات سرمایه گذاری دولتی در برنامه های صنعتی و پژوهش های علمی و تدوین برنامه برای رشد اقتصادی به مقیاس ملی و سیاست هم پیوندی امپریالیستی و شکل های جدید صدور سرمایه استفاده می کند) کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری ص ۱۹.

با توجه به بیان فردریک انگلس، در گذشته دولت با مراقبت از مالکیت طبقه بورژوازی و مدیریت امور تنها نقش پاسبان

شب را ایفا می نمود و محرک آن نبود. اما هنگامی که اجتماعی شدن تولید سرمایه داری به درجه رفیعی اختلا یافت و همه تضاد های سرمایه داری به اوج خود رسید، سرمایه داری انحصاری و دولت در یکدیگر ادغام شدند. سرمایه انحصاری برای مداخله در همه قلمروها، بخصوص در روند باز تولید از ماشین دولت سود می جوید. اما این بدان معنا نیست که دولت، چنانکه تئوری پردازان بورژوازی و رفرمیست حامد می اند، به نیروی فوق طبقات تبدیل شده باشد. سرمایه انحصاری نقش رهبری خود را درون اتحاد تنگی که انحصارات و دولت بورژوازی را به هم پیوند می دهد، حفظ می کند.

فردریک انگلس گفته است: دولت در حقیقت، در یک شکل متمرکز، چیزی جز بازتاب نیازهای اقتصادی طبقه ای که سر تولید فرمانرواست، نیست (مارکس - انگلس مجموعه آثار ص ۶۴۵).

البته، نقش فعالی که دولت در قلمرو اقتصادی ایفا می کند، نمی توان انکار کرد. برای درک صحیح روندی که اکنون در کشورهای سرمایه داری جریان دارد، بررسی شکل های دخالت دولت بورژوازی در زندگی اقتصادی اهمیت دارد. از سوی دیگر باید از پر بهادادن به امکانات این مداخله پرهیز کرد. بنابراین نخستین گام در این رابطه تحلیل حدود، نتایج و ماهیت طبقاتی آن از دیدگاه جهان بینی طبقه کارگر است.

هنگامی که دولت بورژوازی (غالباً تحت فشار توده های زحمتکش) به ملی کردن موسسات می پردازد، بطریقی عمل می کند که به نفع سرمایه انحصاری لطمه وارد نماید. از این رو هزینه های هنگفت نوسازی تجهیزات فنی را به زحمتکشان تحمیل می کند. دولت بورژوازی - آمد ملی را به نفع سرمایه انحصاری تقسیم کرده و مخصوصاً از راه نظامی کردن اقتصاد سود های کلان و بازار فروش برای کالاها پیش فراهم می آورد. علاوه بر این، دولت در دوران بحران اقتصادی کمک های مالی

عظیمی در اختیار انحصارات قرار می دهد. بدین سان نتایج نامطلوب بحران های اقتصادی را برای گروه های معینی از سرمایه انحصاری کاهش داده، با رسنگین دشواری های پدید آمده را به دوش زحمتکشان می اندازد.

دولت بورژوازی به توسعه طلبی خارجی انحصارات خصوصی و اختلالی قدرت رقابت امپریالیسم ملی در بازارهای خارجی کمک کرده و در موارد معینی برای زمینسنگ (رقابت مکارانه) سرمایه گذاری می کنند. دولت به حساب مالیات دهندگان انحصارا را از خطری که مخصوصاً در دوران کنونی، دوران فروپاشی استعمار برای صدور سرمایه به کشورهای در راه رشد وجود دارد، مصون می دارد.

دولت بورژوازی نفع انحصارات به تدوین و اجرای قوانین ضد کارگری پرداخته و بدین سان به ابزار تحکیم استثمار توده های زحمتکش و به معنای خاص کلمه به کمیته مدیریت امور بورژوازی انحصاری تغییر شکل یافته است.

بقیه از صفحه ۶

### برای گرامیداشت

شعارهای سرنوشت ساز انقلاب آنها برای بیرون کشیدن امپریالیسم از ضربات قاطع خلق و ترمز کردن انقلاب با چهره های مختلف به میدان آمدند.

اسلام معاویه و برزنسکی یکی از آن چهره هاست که پادوهای امپریالیسم به اتکای آن مانع اصلاحات عمیق اجتماعی و کوتاه کردن دست چپا و لکر فتووال ها، کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران می شوند. باید این توطئه عظیم را که از درون بتخریب انقلاب مشغول است فاش و بر ملا ساخت.

کرایش های ارتجاعی و ضد خلقی که زیر قباای اسلام معاویه و برزنسکی خود را پنهان کرده اند، می کوشند با تفسیر آشفته و مغلوط اخبار و احادیث از تحقق ایده رهائی توده های مردم از قید استعمار و استثمار جلوگیری بعمل آورند.

این تلاش ها برای این است که در عمل به توده های زحمتکش بیاورانند که رهائی شان از قید استعمار و استثمار افسانه ای بیش نیست و لذا این جانبازها هیاهوئی بسیار برای هیچ بوده است.

برای خنثی کردن این توطئه، بزرگ امپریالیستی باید بدون لحظه ای درنگ پایانه اساسی امپریالیسم را در درون کشور که عبارت از بزرگ زمینداران و کلان سرمایه داران هستند، فروکوبید و به فقر، بی سامانی و محرومیت های اقتصادی - اجتماعی توده های خلق پایان داد تا امپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا نتواند خود را از زیر ضربه بیرون آورد و به روی آرمان های انقلابی قیام ۱۵ خرداد و انقلاب خلق ۲۲ بهمن خط بطلان کشد.

### توضیح:

بحث درباره مسأله اساسی تئوری شناخت از دیدگاه دیالکتیک در شماره آینده دنبال خواهد شد.

بقیة صفحه ۱

### ندای خرد و واقع بین

بیشترین تکیه از یک سو بر مردم بوده است و از سوی دیگر بر مجلس و شورای نگهبان که دستگاه سنجش درستی صوبات مجلس است ملت این هاست که شعای بنیید در کوچه و بازار و این هائی که در جنگ هستند و این هائی که در هر روز می آیند و می گویند ما می خواهیم بروم جنگ. ملت من و تو نیستیم ملت آنها هستند. میزان آنها هستند.

"مجلس بالاترین مقامی است در این مملکت. مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن رأی را پذیرفت، هیچ کس حق ندارد یک کلمه راجع به این بگوید. من نمی گویم رأی خودش را نگوید. بگوید... اما اگر بخواهد فساد کند، به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، این فساد است و مفسد است یک همچو آدمی..."

"به مجرد این که مطلبی برخلاف رأی یک نفر است نباید بگوید مجلس درست نیست... این خودش درست نیست. نباید بگوید شورای نگهبان درست نیست. این خودش درست نیست. باید خودش را اصلاح کند."

انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران، پس از بیش از دو سال، هنوز در ریاض جوشان و خروشان است. کسانی که همراه موج بر صلابت این دریا به اوج آمدند، بلند ایشان در حقیقت بلندای موجی است که بر آن تکیه زدند. قدرت شان نیز همان قدرت تراکم آن است. کسانی که از انبوهی میلیونها مردم به صحنه آمده و از جوشش انقلابی شان در باره خود و اهمیت نقش فردی یا گروهی خود به اشتباه افتادند، کسانی که بر تحول سیاسی توده ها در جریان تجربه های انقلابی و جبهه جایی هائی که در عرصه پیکار انقلاب صورت می گیرد چشم می بندند و از آن بدتر در برابر آن به انکار و لجاجت می ایستند، به چنین کسانی است که امام همدار می دهند:

"این معناها را از گوش تان بیرون کنید، آقایان، که این مردم دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفتند. خیره شما ها کنار رفتند." این هاتوی اطافهای خود نشسته اند و حساب می کنند. این هائی روند که ملت میهنی را محاسبه اش بکنند. شماها چه کار می کنید؟... این ها - بخوان: روحانیت متعهد - هستند که شما را توی میدان آوردند و وزیر و وکیل و نعی دانم چی کردند یا فرض کنید بالاتر."

به کسانی که سراسیمه از روند ناگزیر گسترش و درگونی ریشهای انقلاب دم از بن بست می زنند، امام بد رستی می گویند: شما به بن بست رسیدید... مملکت اسلام که به بن بست نمی رسد. همین مردم، همین پسر زنها یا مرد ها و جوانها و بچه ها، از این بن بست بیرون می آورند مملکت را. و این گواه بر اعتماد بزرگی است که ایشان به مردم ساده دارند و بی تکلف دست خد را در جمع دست های این مستضعفان می بینند. و به نام همین انبوه مردم ساده است که باید عیان به صراحت می فرمایند: شما ایستاد هاید تا پای این که ایران نباشد. و نهیب می زنند: دست بردارید از این فضولی ها... بترسید از این که یک وقت یک انفجاری حاصل بشود... بترسید از آن روزی که این مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار حاصل بشود. و درست برای بهره از چنین فاجعه ای، برای آن که سیل درگونی های ناگزیر انقلابی در مجرای آمده تری روان باشد و ضایعات و تلفات کمتر

## بمناسبت روز جهانی کودک

روز اول ژوئن (۱۱ خرداد) روز جهانی کودک است. ۳۰ سال پیش "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" روز اول ژوئن را به عنوان روز دفاع از حقوق کودکان در کشور های سرمایه داری و کشورهای عقب مانده انتخاب نمود.

از آن تاریخ همه ساله در این روز احزاب و سازمان های شرقی و دموکراتیک ملی و بین المللی با پرده برداشتن از انواع محرومیت ها و ستم هائی که در دنیا سرمایه داری بر کودکان روا داشته می شود، افکار عمومی جهان را به بسیج نیروهایشان در دفاع از حقوق کودکان فرامی خوانند.

در دنیا سرمایه داری که مهد اصلی استثمار و بیدادگری است، کودکان یکی از مهم ترین قربانیان آن بشمار می روند.

به گزارش "دفتر بین المللی کار" به سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۹ نزدیک به ۱۰۰ میلیون کودک در کشورهای پیشرفته و عقب مانده سرمایه داری برای امرار معاش خود و خانواده خود ناچارند کار بکنند. از این عده ۲۰ میلیون کودک در صنایع و کشاورزی ۸۰ میلیون بقیه در کارخانه ها کار می کنند.

در ایالتیالیایی بیش از ۱۰ هزار کودک در ساختمان، ۲۰۰ هزارتن در خدمات و امور بازرگانی و ۵۰۰ هزارتن در بخش کشاورزی مشغول کارند.

در اسپانیا از ۶ میلیون کودک ۲۰۰ هزار تن بکار اشتغال دارند. در آلمان فدرال ۳۰۰ هزار کودک تا ده ساعت در روز کار می کنند.

در آمریکا ۴۰۰ هزار کودک (۱۰ ساله) به کار اشتغال دارند. آنها ۲ میلیاردی کارکنان کشور را تشکیل می دهند. در ایالت کالیفرنیا آمریکا ۹۵٪ کودکان کارگران مهاجر مکزیک بکار اشتغال دارند. شدت استثمار آنها به قدری است که آنها را "برندگان کوچولوی قرن بیستم" می نامند.

وضع کودکان در کشورهای عقب مانده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به مراتب در ناک تر است.

آثار مخرب نظام سرمایه داری روی زندگی کودکان در بخش های نژاد پرست آن با وضوح بیشتری به چشم می خورد.

رژیم صهیونیستی و نژاد پرست اسرائیل کودکان فلسطینی را در سرزمین های اشغالی به شدت مورد تعدی و تجاوز قرار می دهند. شرایط فاجعه آمیز کار روزندگی کودکان فلسطینی، هیأت ما مورد قهر بین المللی کار را وارد کرد که گزارش خود به شصت و پنجمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار تقاضا کند که اسرائیل از بکارگماردن کودکان فلسطینی امتناع نماید.



نوباوه شهید محمدحسین فهمیده

کودکان فلسطینی در زندان های اسرائیل با وضع فجیعی روبرو هستند. اسرا - ثیلی ها با بچه ها مانند خطرناکترین جنایتکاران رفتار می کنند. در خیماان اسرائیلی برای شکنجه کودکان موی سر آنان راه دست گرفته و بدن شان را بروی زمین می کنند و هنگام با جوشی گلوی شان را تا حد خفگی فشار می دهند و سنگهای تریبت شده را به جان شان می اندازند دخترها را تهدید به تجاوز و پسرها را تهدید به تجاوز به مادر و خواهر - انشان می کنند.

کودکان معصوم فلسطینی در کنار جنایتکاران، در زندان و هرزگان در یک سلول زندانی می شوند. روزنامه "الفجر" در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۸ نوشت که دو نفر از این جنایتکاران به طرز فجیعی به یک کودک فلسطینی هم سلول خود تجاوز کردند. جرم کودک فلسطینی شرکت در تظاهرات بر ضد اشغالگران اسرائیلی بود و یکی از آن جنایتکار - کار تجاوز قیلا کودکی را کشته بود.

طبق گزارش هیأت بازید کنند ه دفتر بین المللی کار از کرانه غربی رود اردن از بیست هزار کارگر فلسطینی که بطور غیرسرمجاز در اسرائیل کار می کنند، هزار کودک

خرد سال هستند. وسائل ارتباط جمعی اسرائیل از استثمار شدید کودکان بعنوان "برده داری کودکان" یاد می کند. کودکان معصوم از نخستین قربانیان رژیم صنفور پهلوی بود مانده.

زخم عمیق رژیم ضد خلقی سابق همچنان بر پیکر کودکان مابا قی است. کودکان زحمتکشان کشور ما غالباً ناچارند بر اثر سختی معیشت خانواده خود در کارگاه ها و کارخانه ها و غیره کار کنند.

کار کودکان در قالبیانی ها، کارگاه ها، کارخانه ها، مغازه های کوچک و بزرگ تولید و توزیع موجب بی مردن روح خلاق آنان در همان اوان کودکی می شود. با توجه به این ارزیابی که از هر ۱۰ کودک ایرانی سه تن دارای نبوغ است، دامنه ستم به کودکان و جامعه ما به وضوح نمایان می گردد.

انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی ایران روزنه امید بخشی برای بالندگی کودکان ما و رهائی آنان از قید بیداد و استثمار است. نقش خرد سالان ما در انقلاب و پس از آن جای نمایانی دارد. طنین فریاد های شکوهمند خرد سالان در خانه ها و پشت بامها، کوچه ها و خیابانها و آوازیان شان را با شور و حرارت

وا فری به صحنه درگیری ها و مبارزه می کشاند. با تجاوز رژیم خائن صدام به مناطق غربی و جنوب غربی سرزمین ما صاحب بی شماری برای کودکان معصوم ما بوجود آمده است. اما در این جبهه چهره شجاع کودکان در صحنه نبرد می درخشد.

قهرمانی نوباوه سیزده ساله "ما شهید محمد حسین فهمیده" در روزگاره ضد صدام از نمونه های درخشان نقش خرد سالان در نبرد با امپریالیسم است.

این نوباوه جسور با بستن چند نارنجک به خود و خوابیدن زیر تانکهای عراق تعدادی از تجاوزگران صدامی را نابود کرد و به خیال عظیم شهیدان انقلاب پیوست جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از چنین پشتوانه عظیمی از جانبازان خلق باید همه امکانات خود را در محور محرومیت های اقتصادی و اجتماعی آنان بکارگیرد و فرزندان زحمتکش ما را به جامعه فارغ از بیداد و استثمار رهنمون شود.

نشان خواهد داد که این سخنان تا چه اندازه در فرونشاندن آتش سوداها و مهار کردن خود بهنی ها و قدرت طلبی ها و سوق دادن افراض ناسازگار به مجرای هماهنگی و همکاری و اتحاد نیروها توفیق خواهد شد

یافت. و بی شک اگر چنین توفیقی دست دهد باید آن را معجزه های به شمار آورد که امید است در پناه فراگیر باشد. هر چند که تجربه تاریخ همه جان شان داده است که در بحران های انقلاب و در مراحل گذار از یک نظام اجتماعی به آنچه پس از آن می آید - یاد تراشهای که برای واپس کشیدن جامعه به نظام پیشین صورت می گیرد - همیشه رفتارهای فردی با زتاب ضرورت های طبقاتی است. جامعه ما هم نمی تواند از این حیث استثنا باشد. از این رو ضرورت است که به موازات اثر بخشی سخنان خرد مانده امام خمینی، با اجرا گذاشتن خواست های بنیادی توده های محروم از بابت زمین و کار و بازرگانی دولتی و تشکیل شوراهای غیر آن، نیروی انقلابی متحد مستضعفان پیش از پیش در صحنه سیاست حضور یابد و عمل کند.

شود، امام بر قانون اساسی و حدودی که در آن برای هر کس و هر مقام معین شده است تأکید می فرمایند:

"من اول سال به آقایان عرض کردم این سال خوب است سال اجرای قانون باشد. باید حدود معلوم بشود. آقای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آن ور بگذارد من با او مخالفت می کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می کنم. و همین موضع گیری اصولی را به نخست وزیر، مجلس، شورای نگهبان، قوه قضائیه و قوه اجرائیه تعمیم می دهند و همه دعوت می کنند که قانون را بپذیرند و روی مرز قانون عمل کنند و باز هشدار می دهند: "نگوید قانون و خودتان خلاف قانون بکنید". نمی شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می کنی قانون را قبول نداری. قانون تو را قبول ندارد."

براستی روشن تر و پوست کنده تر از این نمی توان درباره معیارها و مسائل اساسی زندگی کشور و دشواری هائی که به هر انگیزه و از هر سو پیش آورد مانند سخن گفت، تجربه

**شرکت فعال در**  
**نبرد عادلانه بر ضد**  
**تجاوز رژیم صدام**  
**یک وظیفه انقلابی**  
**است!**

**اتحاد مردم**  
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
محمود اعتمادزاده (م.ا.ب.آذین)  
آدرس: منطقه ۱۳ پستی - صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷  
چاپ کاویان